گفت‌وگو با پریسا پهلوان و بهنام کامرانی

# ویدئوآرت در ایران بازده مالی ندارد

عکس: شرق

**علیرضا بخشی‌استوار: ویدئوآرت و دیگر گونه‌های هنرهای جدید در فقدان حمایت‌های سازمان‌یافته دولت، کم‌رمق به حیات خود ادامه می‌دهند و دراین‌میان نقش چند گالری بسیار حیاتی است؛ به‌یقین گالری ویستا یکی از این گالری‌هاست که از بدو تأسیس با رویکرد محض فرهنگی تلاشی بی‌شائبه برای اشاعه هنرهای جدید از خود بروز داده است. نمایشگاه ویدئوآرت گیاه‌شناسی که اخیرا در گالری ویستا به تماشا بود، آخرین نمونه برای این ادعاست که به کیوریتوری بهنام کامرانی صورت پذیرفت. جایزه ۳۰ میلیون‌تومانی هنر معاصر ویستا با محوریت ایده هنری که به‌تازگی برای دومین سال فراخوان داد، دیگر نمونه رویکرد این گالری در مرکز شهر تهران است. به همین بهانه‌ها با پریسا پهلوان، مدیر گالری ویستا و بهنام کامرانی که به‌عنوان مشاور هنری با این نهاد فرهنگی- هنری همکاری می‌کند، گفت‌وگو کرده‌ایم:**

**ویدئوآرت در هنر ایران مدیوم ناشناخته‌ای است و برپایی یک نمایشگاه ویدئوآرت خیلی بازده مالی جالبی ندارد. با وجود این، چطور شد که تصمیم گرفتید به جای برپایی نمایشگاهی که بازده مالی بیشتری برای شما داشته باشد، یک نمایشگاه ویدئوآرت در گالری «ویستا» برگزار کنید؟**

**پریسا پهلوان:** یکی از اهداف و چشم‌اندازهای گالری «ویستا» این است که نگاه متفاوتی داشته باشد و به ایده، تنوع و خلاقیت هنرمندان جوان و باتجربه توجه کند. ویدئوآرت یکی از مدیوم‌های مطرح هنر معاصر در سطح دنیاست. اخیرا خیل عظیمی از دانشجویان و مشتاقان هنر به ویدئوآرت رویکرد داشته‌اند و دیگر نمی‌شود نسبت به این مدیوم بی‌تفاوت بود. گالری «ویستا» سال گذشته نمایشگاه دیجیتال‌آرت آرنولد پستل را با عنوان «هرآنچه در مقابل من است از آن من است» برگزار کرد و در ادامه هم همین روند را در پیش خواهد گرفت. به‌هرحال نمی‌شود گفت یک گالری رویکرد ویژه‌ای نسبت به هنر معاصر دارد، اما می‌خواهد به ویدئوآرت بی‌توجه باشد. ما در گالری «ویستا» با مشاوره‌های مختلفی که داشته‌ایم، می‌خواهیم روی ویدئوآرت، چیدمان و تلفیق هنرهای جدید با یکدیگر کار کنیم. حتی نسبت به ساندآرت و مپ‌آرت که هنرهای جدیدتری هستند هم فکر خواهیم کرد تا یک دریچه‌ای برای افتتاح نمایشگاه‌هایی در زمینه هنرهای جدید باز شود. هدف‌مان این است که هرساله حداقل یک نمایشگاه با این رویکرد برگزار کنیم تا به جوان‌هایی که به این هنرها علاقه دارند تلنگری زده شود. البته چنین نمایشگاه‌هایی بازده مالی ندارد اما من برگزاری نمایشگاه‌های متفاوت‌تر را دوست دارم و از برپایی نمایشگاه ویدئوآرت «گیاه‌شناسی» در گالری «ویستا» خوشحالم. ما از خانم فرشته عالم‌شاه درخواست کردیم بیایند و این نمایشگاه را کیوریت کنند. ایشان پیش از این در نمایشگاه «نارنج» نیز با ما همکاری کرده بود و از امکانات گالری اطلاع داشت. خوشبختانه این همکاری اتفاق افتاد و نمایشگاه «گیاه‌شناسی» که ایده آن را آقای کامرانی مطرح کرد، در گالری «ویستا» افتتاح شد. پنج نفر از هنرمندان پیشرو در عرصه ویدئوآرت با نام‌های فریده شاهسوارانی، حامد صحیحی، فرشته عالم‌شاه، بهنام کامرانی و رسول معرک‌زاده در این نمایشگاه با ما همکاری کردند و به جز یک نفر، بقیه هنرمندان برای ما اثر جدید ساختند. به‌شخصه از این نمایشگاه هیجان‌زده شدم و آن را خیلی دوست داشتم. خوشبختانه این نمایشگاه بازدیدکنندگان خوبی هم داشت و بازخوردهای خوبی از آن دریافت کردیم. به همین خاطر امیدواریم هر سال بتوانیم چنین نمایشگاهی را با کانسپت‌های متفاوت ادامه دهیم.**

**آقای کامرانی، موضوع نمایشگاه «گیاه‌شناسی» را شما مطرح کرده‌اید. این اتفاق چطور افتاد و شما چه نقشی در برپایی این نمایشگاه داشتید؟**

**بهنام کامرانی:** من به‌عنوان یکی از مشاوران گالری «ویستا» معتقدم این گالری از ابتدا مثل خود هنر معاصر منعطف عمل کرده و به مدیوم‌های جدیدتر هنرهای تجسمی هم توجه ویژه دارد. درباره گالری «ویستا» همیشه نگاه فرهنگی و توجه به هنر معاصر در فعالیت‌های این گالری بر مسائل دیگرش چربیده و مسئله اعتبار برای این گالری در درجه اول اهمیت است. گالری‌های کمی در تهران وجود دارند که این ویژگی را داشته باشند. این رویکرد را قبل از هر گالری دیگری، گالری «طراحان آزاد» آغاز کرد و هنوز هم کارش را دارد به همان آن شکل ادامه می‌دهد. من خوشحالم گالری «ویستا» هم چنین رویکردی دارد. دو نمایشگاه ویدئو«نارنج» و «گیاه‌شناسی» که در گالری «ویستا» برگزار شد، با همکاری خانم فرشته عالم‌شاه شکل گرفت. من روی حضور ایشان خیلی اصرار داشتم چون خانم عالم‌شاه تنها کسی است که یک سایت ویدئویی مخصوص ویدئوآرت در اصفهان دارد. این اتفاق خیلی خوب و مهمی است. اولا به خاطر آنکه در دل یک شهرستان شکل گرفته و دوما به این دلیل که جشنواره سالانه هم برگزار می‌کند و خود من هم جزء داوران آن جشنواره بوده‌ام. سایت ویدئویی خانم عالم‌شاه نه‌تنها کار هنرمندان فعال ایرانی در عرصه ویدئوآرت را منعکس می‌کند، بلکه برای اعضای خود امکان برپایی یک‌سری نمایشگاه در داخل و خارج از کشور نیز فراهم می‌کند. به نظرم این کار جای تشویق بسیار دارد. موضوع دو نمایشگاه «نارنج» و «گیاه‌شناسی» را من مطرح کردم که در نمایشگاه گروهی «نارنج» سه هنرمند حضور داشتند که هر سه‌تای آنها هم از اصفهان آمده بودند. در نمایشگاه «گیاه‌شناسی»، خانم عالم‌شاه می‌خواست از داورهای چندساله جشنواره سایت ویدئوآرتیست دعوت به عمل بیاورد. بنابراین خود ایشان افراد را انتخاب کرد و من فقط موضوع گیاه‌شناسی را مطرح کردم. نمایشگاه «گیاه‌شناسی» هم یک توجه زیست‌محیطی دارد و هم یک نگاه علمی پشت آن است.

**با توجه به آنکه تعداد نمایشگاه‌های ویدئوآرت در ایران کم است، فکر می‌کنید رویکرد هنرمندان نسبت به این مدیوم هنری چگونه است و اساسا نمایشگاه ویدئوآرت «گیاه‌شناسی» چقدر می‌تواند به پیشرفت مدیوم ویدئوآرت در ایران کمک کند؟**

**بهنام کامرانی:** برپایی هر نمایشگاهی در زمینه ویدئوآرت می‌تواند به این مدیوم هنری کمک کند. خوشبختانه گالری «ویستا» این دغدغه را دارد و چنین نمایشگاه‌هایی را برگزار می‌کند. علت اینکه گالری‌های دیگر کمتر به سراغ ویدئوآرت می‌روند، این است که گالری‌ها برای برپایی چنین نمایشگاه‌هایی نیاز به امکانات خاصی دارند و امکانات و فضایشان برای برپایی یک نمایشگاه ویدئوآرت مناسب نیست. آقای امیرعلی قاسمی یک جشنواره با این رویکرد برگزار می‌کند که در آن بیشتر پرداختن به موضوع عکس و ویدئو است. آن جشنواره هم می‌تواند کمک خوبی به ویدئوآرت کند چون بعضی از استعدادهای پیشرو در آن معرفی می‌شوند. امیدوارم از این‌دست اتفاق‌ها بیشتر در فضای هنری کشور شکل بگیرد.

**کارکردن در حوزه مدیوم ویدئوآرت و برگزاری نمایشگاه‌هایی همچون «گیاه‌شناسی» چه مشکلاتی به همراه دارد؟**

**بهنام کامرانی:** اصولا ساخت ویدئو کار دشواری است و به یک شم خاص احتیاج دارد. خیلی از سینماگران و کارگردان‌های سینما خواستند ویدئو بسازند اما خیلی موفق نشدند چون ویدئوآرت خیلی تجربی‌تر است و در آن باید رابطه‌ای میان فضای تجسمی با فیلم کوتاه ایجاد شود. من در سال‌هایی که در این زمینه کار کرده‌ام، در آن بده‌بستان‌های زیادی میان این مدیوم و مدیوم‌های دیگر هنری دیده‌ام که برایم خیلی جذاب است. من در نمایشگاه «گیاه‌شناسی» چیزی را به نمایش گذاشتم که بیشتر حالت «دمو» دارد تا ویدئوآرت. خیلی به این موضوعات توجهی ندارم و سعی می‌کنم در فعالیت هنری‌ام از لیبل‌ها و تعاریف فرار کرده و در نظرشان نگیرم. بیشتر موضوع و فضای ذهنی خودم تعیین‌کننده است. البته در ساخت ویدئو باید یک‌سری از مسائل را خیلی جدی رعایت کرد. برای مثال استفاده نابجا از موسیقی می‌تواند باعث شود که یک ویدئوآرت به کلیپ تبدیل شود. یکی از دشواری‌های نمایشگاه ویدئو گروهی، خود فضای نمایشگاه است چون باید یک‌سری امکانات همچون مانیتور، قاب و امکانات نمایش‌دهنده فراهم شود و تداخل نور و صدا نیز ایجاد نشود. خیلی از ویدئوآرتیست‌ها، کار چیدمان انجام می‌دهند و باید فضا را خودشان بسازند و به نوعی در آن دخل و تصرف انجام دهند. این کار ممکن است مزاحم کار بقیه کسانی شود که در آن نمایشگاه گروهی حضور دارند. این اتفاق کار کیوریتور را هم سخت می‌کند؛ مگر اینکه آثار ارائه‌شده به صورت پشت سر هم به نمایش در بیایند. مشکل دیگر این است که در ایران تهیه‌کننده‌ای برای ویدئوآرت وجود ندارد. به‌طورکلی فکر می‌کنم مدیوم ویدئوآرت در کنار بقیه امکانات رسانه‌ای می‌تواند به‌مرور موفق شود و فقط به زمان احتیاج دارد. جذابیت این مدیوم هم به پیشروبودنش است و به خاطر آنکه بسترهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و منطقه‌ای را خیلی سریع و صریح در یک ویدئو کوتاه نشان می‌دهد و خیلی‌ها دوست دارند آن را تماشا کنند. درنتیجه ویدئوآرت در کنار چیدمان، در بی‌نال‌های پیشرو، رسانه‌ای قدرتمند و به‌روزی محسوب می‌شود که باید آن را جدی گرفت.

**آیا نمایشگاه‌های ویدئوآرت، رویکردشان به‌گونه‌ای هست که بتوانند برای این رسانه پشتیبان بیاورند و افرادی را به سمت این مدیا بکشانند یا این اتفاق با برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی شدنی نیست؟**

**بهنام کامرانی:** وظیفه یک گالری نیست که چنین کاری را انجام دهد. وظیفه گالری، فروش ویدئوآرت است. با این حال خوشبختانه اخیرا یکی، دو دفتر به وجود آمده که می‌خواهند از ویدئوآرت حمایت کنند. یک‌سری از تهیه‌کنندگان خارجی هم می‌خواهند کمک کنند و گاهی یک‌سری از امکانات را در اختیار هنرمندان ویدئوآرت می‌گذارند و آنها را در جشنواره‌ها و موزه‌ها شرکت می‌دهند. الان جشنواره‌هایی که درباره فیلم کوتاه، ویدئوآرت و انیمیشن باشد، از حمایت این تهیه‌کننده‌ها برخوردار خواهد بود. گرچه ویدئوآرت هنوز به‌عنوان یک رسانه قابل فروش مطرح نیست و با این مسائل فاصله دارد.

**نمایشگاه «گیاه‌شناسی» برای گالری «ویستا» بازده مالی داشت؟**

**پریسا پهلوان:** خیر، ما زمانی که این نمایشگاه را طراحی کردیم، هیچ بحثی راجع به بازده مالی آن نداشتیم. گاهی اوقات بر ویدئوآرت‌ها قیمت‌گذاری می‌شود اما درباره این نمایشگاه هیچ بحثی میان دو طرف راجع به مسائل مالی شکل نگرفت.

**بهنام کامرانی:** من در این نمایشگاه دو، سه اثرم را فروختم اما همچنان در ایران نمی‌شود راجع به بازده مالی ویدئوآرت صحبت کرد.

**پریسا پهلوان: ما در گالری «ویستا» با مشاوره‌های مختلفی که داشته‌ایم، می‌خواهیم روی ویدئوآرت، چیدمان و تلفیق هنرهای جدید با یکدیگر کار کنیم**
**بهنام کامرانی: اصولا ساخت ویدئو کار دشواری است و به یک شم خاص احتیاج دارد. خیلی از سینماگران و کارگردان‌های سینما خواستند ویدئو بسازند اما خیلی موفق نشدند**

**به‌نظرتان روابطی که میان گالری‌های داخلی با فستیوال‌ها و موزه‌های خارجی وجود دارد، چقدر می‌تواند به‌عنوان یک مکانیسم برای حمایت از رسانه‌های جدید هنری درآید و به تداوم این جریان هنری کمک کند؟**

**بهنام کامرانی:** بسیار زیاد. در گالری «ویستا» جایزه‌ای به نام جایزه «ویستا» وجود دارد که می‌تواند یک تعداد هنرمند جوان و پیشرو را در اختیار گالری قرار دهد و آثار آنها را در سایت و آرشیو گالری ضبط کند. این آرشیو بعد از چند سال می‌تواند مرجعی برای مراجعه کیوریتورهای خارجی شود تا آنها متوجه شوند که گالری‌ها و هنرمندان پیشرو چه کسانی هستند و بر این اساس هنرمندان را برای شرکت‌دادن در فستیوال‌ها و موزه‌های خارجی انتخاب کنند.

**در ایران راجع به ویدئوآرت به جز سه، چهار کتاب، منبع دیگری وجود ندارد. فکر می‌کنید گالری «ویستا» یا سایر گالری‌ها چقدر می‌توانند در کنار نمایشگاه‌های خود، جایی برای پژوهش هم بگذارند و برای نمایشگاه‌هایشان کتاب منتشر کنند؟**

**پریسا پهلوان:** به نکته جالبی اشاره کردید و می‌شود به این موضوع فکر کرد. هرچند این موضوع هم در زمره وظایف گالری‌ها نیست، اما گالری «ویستا» به خاطر دغدغه‌های فرهنگی‌ای که دارد، شاید بتواند به این مسئله ورود کند و قدمی در این راه بردارد.

**بهنام کامرانی:** خیلی از دانشجوهای من درباره ویدئوآرت تحقیق کرده‌اند و پایان‌نامه نوشته‌اند. معتقدم از این اتفاقات باید بیشتر بیفتد چون همان‌طور که اشاره کردید، منابع مکتوب کمی در زمینه ویدئوآرت وجود دارد. ویدئوآرت رسانه وسیعی است و نوشتن درباره آن مثل این است که بخواهید یک کتاب راجع به نقاشی معاصر بنویسید. اصلا چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. امروزه تقسیم‌بندی تاریخ هنرها به شکل سبکی و زمانی نیست و بیشتر موضوعی است. به نظر می‌رسد این موضوع درباره ویدئوآرت هم صدق می‌کند. کاری که من در نمایشگاه «گیاه‌شناسی» عرضه کردم، ویدئوآرت به معنای قدیمی‌تر آن نیست و بیشتر یک‌جور رابطه میان نقاشی و حرکتی است که آن نقاشی پیدا می‌کند؛ چیزی میان انیمیشن و نقاشی. ویدئوآرت شاخه‌های متنوعی دارد و نمی‌شود آن را تعریف کرد که چیست. درباره ویدئوآرت می‌توان گفت چه چیزی نیست. در جشنواره‌های خارجی تعریف‌های متنوعی از ویدئوآرت وجود دارد و اگر کسی بخواهد کتابی درباره ویدئوآرت بنویسد، می‌تواند به صورت جداگانه درباره بخش‌های مختلف آن بنویسد. با شما هم‌عقیده هستم که هنوز در ایران به طور کافی راجع به جنبه‌های تئوریک و فلسفه ویدئوآرت صحبت نشده و کمتر پژوهشگران به سمت آن رفته‌اند.

**فکر می‌کنید هنرهای جدید در ایران با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستند؟**

**بهنام کامرانی:** اصولا جنبه‌های تئوریک یا لهجه‌هایی که ما ایرانی‌ها دوست داریم در رسانه‌های معاصر ببینیم، با آن چیزی که اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها خوش‌شان می‌آید، متفاوت است. این تفاوت‌ها از آزادبودن هنر پست مینی‌مال نشئت می‌گیرد. در هنر ایران هنوز جنبه‌های تکنیکی بر جنبه‌های اندیشه‌ورزی سوار است. مثلا من فکر می‌کنم ویدئوآرت در ایران بیشتر یک امکان بیانی است تا اینکه جنبه‌های اندیشه و تاریخ هنرش طی شده باشد. این مشکلی بزرگ است چون اساسا هنر یک فعالیت اندیشمندانه است. هنر ایران در زمینه اندیشه‌ورزی با خلأ روبه‌روست. ارائه‌دادن پروپوزال و صحبت‌کردن راجع به اثر اتفاقی است که در هنر ایران کمتر می‌افتد. جنبه رمانتیک‌بودن و با حس‌وحال کارکردن به آموزش‌های هنر ما هم ورود پیدا کرده و نزد استادان یک امتیاز تلقی می‌شود. به عقیده من این رویکرد خوبی نیست چون با این زاویه دید، انگار هنر در یک ناآگاهی شکل می‌گیرد. خیلی از هنرمندان نامدار جهانی که ما می‌شناسیم، جنبه اندیشه‌ورزانه کارشان خیلی قوی است و بر جایگاه کارشان واقف هستند. یعنی آنها می‌دانند دارند چه‌کار می‌کنند و از هنرشان چه می‌خواهند. امیدوارم این خلأ در هنر ایران پر شود.

**در جایزه «ویستا» چقدر امکان آن وجود دارد که به طور جدی‌تری به رسانه ویدئوآرت پرداخته شود و مدیاهای این‌چنینی مورد توجه بیشتری قرار گیرد؟**

**پریسا پهلوان:** ما در دوره قبل جایزه «ویستا» هنرمندان را در ارائه ایده آزاد گذاشتیم و خیلی جالب و هیجان‌انگیز بود که خیلی از هنرمندان در زمینه عکس، ویدئوآرت، چیدمان و تلفیقی از این مدیوم‌ها کار کرده بودند. برنده دور قبلی جایزه «ویستا» یک چیدمان ارائه داده بود و این موضوع برای خود ما هم خیلی شگفت‌آور بود. در روز ۲۴ شهریور امسال، یک نمایشگاه ۱۰روزه برای برنده جایزه «ویستا» برگزار می‌شود و چیدمان نفر برتر به نمایش در خواهد آمد که امیدوارم علاقه‌مندان بیایند و از آن نمایشگاه استقبال کنند. جایزه «ویستا» بستر مناسبی برای پرداختن به مدیوم‌هایی همچون چیدمان و ویدئوآرت است. البته در دوره قبل تعداد هنرمندان شرکت‌کننده در زمینه ویدئوآرت کمتر بود اما امیدوارم در دوره جدید، هنرمندان این رسانه از وجود این بخش در جایزه «ویستا» اطلاع پیدا کنند و بنابر آنچه در متن فراخوان ارائه شده، در جایزه «ویستا» شرکت کنند. جایزه «ویستا» این بستر را فراهم کرده و ما خیلی خوشحال می‌شویم که هنرمندان و مخاطبان مدیاهای مختلف هنری به این جایزه توجه کرده و در آن حضور داشته باشند. آثاری که به جایزه «ویستا» ارائه می‌شود، آرشیو شده و در آینده به خارج از کشور لینک خواهد شد. این اتفاق به یکباره نمی‌افتد و پروسه آن باید آرام‌آرام طی شود.

**گالری «ویستاپلاس» که در کنار گالری «ویستا» فعالیت می‌کند، چقدر در زمینه مدیوم‌هایی همچون ویدئوآرت و سایر مدیوم‌های به‌روز فعالیت می‌کند؟**

**بهنام کامرانی:** گالری «ویستاپلاس» احتمالا کوچک‌ترین گالری ایران است که یک هنرمند امکان این را دارد که تمامی فضای داخل اتاق آن را دخل‌وتصرف کند. هنرمندانی داشته‌ایم که روی دیوار این گالری نقاشی کرده‌اند. در آنجا ورک‌شاپ‌های تک‌نفره گذاشته شده و ایده‌های مستقل زیادی اجرائی شده است. به‌طورکلی گالری «ویستاپلاس» یک گالری منعطف است که در آن هم به ویدئوآرت و چیدمان توجه ویژه‌ای شده اما کارهای متفاوت دیگری هم می‌تواند در آنجا رخ دهد. برای مثال امکان این وجود دارد که یک نمایشگاه در گالری «ویستا» برگزار شود و یادداشت‌های مربوط به آن در گالری «ویستاپلاس» به نمایش در بیاید. یا برای مثال دست‌خط یک شاعر یا فیلم‌نامه یک فیلم‌نامه‌نویس را هم در گالری «ویستاپلاس» خوانش کرد و به نمایش گذاشت. ما با خانم پهلوان و آقای ملک صحبت کردیم که در آنجا حتی بشود مرز میان هنرهای تجسمی و غیرتجسمی را به نمایش گذاشت. گالری «ویستاپلاس» هم قابلیت‌های زیادی دارد که حتما در آینده می‌شود به بهترین شکل از آن بهره‌برداری کرد.

**به‌نظرتان در فضای هنر ایران چقدر پتانسیل آن وجود دارد که گالری‌هایی مثل «ویستا» با رویکردهای مشخص شروع به کار کنند و به همان شکل پیش بروند و به کارشان ادامه دهند؟**

**بهنام کامرانی:** درحال‌حاضر در تهران انواع گالری‌ها وجود دارد و این خودش یک اتفاق خوب است. یک گالری جهت مدرنیستی دارد و دیگری جهت سنتی. گالری‌هایی هستند که آثار کاغذی را به نمایش می‌گذارند و گالری‌هایی هم هستند که رویکردشان طور دیگری است. در این بین گالری «ویستا» از همان ابتدا رویکرد منعطفی داشت و به فکر برگزاری نمایشگاه‌هایی در فضاهای مختلف بود. گالری «ویستا» در این زمینه موفق بوده و به همین شکل باید به کارش ادامه دهد. در آینده هم گالری‌هایی می‌تواند به وجود بیایند که نسبت به مدیوم ویدئوآرت و سایر مدیوم‌های به‌روز هنرهای تجسمی رویکرد مثبتی داشته باشند که اگر چنین شود، اتفاق مثبتی رخ داده و به‌نفع این مدیوم‌های هنری خواهد بود.

**پریسا پهلوان:** ما زمانی که در گالری «ویستا» شروع به کار کردیم، براساس تجارب و مطالعاتی که در عرصه کارهای فرهنگی داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که دوست داریم در کارمان تنوع و نوآوری وجود داشته باشد و در این زمینه منعطف و تأثیرگذار باشیم. این سیستم همیشه در کار من و همسرم وجود داشته و همیشه یک نگاه پرسشگر داشته‌ایم و دل‌مان خواسته در کارمان انعطاف باشد. خوشبختانه تا به امروز بازخوردهای خوبی دریافت کرده‌ایم و امیدوارم در آینده هم همین‌طور باشد.

تجسم خلاق

## وضعیت چهاربُعدی

علی فرامرزی

«وضعیت»، موضوع و عنوان دوسالانه مجسمه‌سازی است که هم‌اکنون در موزه هنرهای معاصر برپاست. عنوانی که به نظرمی‌آید هوشمندانه انتخاب شده و برای شرایط موجود از گستردگی و وجوه خاصی برخوردار است. شاید سخت‌ترین و پیچیده‌ترین سؤال امروز انسان در همه سطوح اعم از بُعد معرفتی یا مسائل روزمره و عینی، جواب‌دادن و یافتن پاسخی برای معنی کلمه «وضعیت» یا هویت باشد. وضعیت یعنی تعیین مشخصات و جایگاه ویژه یک سوژه نسبت به شرایطی معین. مثلا در ریاضی، یافتن چگونگی یک نقطه در دستگاه مختصات. برای چنین کاری در ابتدا لازم است که دو بردار عمود بر هم دستگاه مختصات، خود دارای ویژگی‌های تعریف‌شده و مشخص غیرقابل تغییر باشند، این در جهان نسبی‌زده کنونی به امری غیرممکن می‌نماید. در شرایطی که نسبت دامن همه امور ازجمله ریاضی را نیز گرفته است و مسلم‌ترین اموری را که بشر برای خودمطلق می‌پنداشت به امر تقریبی در غلتانیده است و همیشه دو ضرب در دو چهار نمی‌شود، تعیین وضعیت مطلق و حتمی پدیده‌ها، شاید غیرممکن‌ترین کاری است که از انسان توقع می‌رود.

اگر بتوان عصر حاضر را عصر شکوفایی تضادها، ازدست‌رفتن یقین‌ها و به بوته آزمایش درآمدن همه آن چیزهایی دانست که بشر در طول قرون برای رسیدن به آرامش و سکون برای خود فراهم آورده بود، بی‌شک می‌توان این نسبی‌زدگی را در حوزه فرهنگ و هنر بیشتر و واضح‌تر از هر حوزه دیگری یافت.

هنر به‌عنوان تبلور و محصول عینیت‌یافته فرهنگ بشری، می‌تواند تجلی‌گاه و منعکس‌کننده همه این تضادها و چندگانگی‌هایی باشد که بشر امروز را دربرگرفته و در خود پیچیده است. در بین جوامع مختلف بی‌گمان ایران یکی از بهترین نمونه‌های این چندگانگی فرهنگی هنری و سیالیت هویتی باشد.

ازهمین‌روست که کلمه (وضعیت) در عین آنکه ظاهرا به امری مشخص اشاره دارد ولی در جهان امروز به‌دلیل تکثر تعاریف، درهم‌ریختگی بسیاری از وضعیت‌های قدیم و شرایطی که از ویژگی‌های عصر حاضر و هجوم اینترنت است، تلاش برای یافتن مختصاتی قطعی برای این وضعیت‌های متغیر و فرار مانند گرفتن ماهی زنده‌ای است که هر آن از دست ما لیز می‌خورد و می‌گریزد. ازجمله وضعیت‌های تغییریافته در هنر معاصر، تعریف مخاطب و ناظر است که گفته می‌شود بخش جدانشدنی از پروسه تحقق اثر هنری است؛ حضور ناظر در هر دو ساحت ذهن (تصویر ذهنی ناظر است که در پروسه خلق اثر هنری پیوسته در ذهن هنرمند حضور دارد) و عین، چه در زمان تحقق ایده در ذهن هنرمند یا پس از خلق اثر به‌عنوان دریافت‌کننده آن، از ضروریات است؛ همین واقعیت، تعریف هندسی و ریاضی اشکال دوبعدی یا سه‌بعدی را، در هنر به‌گونه‌ای دیگر درخواهد آورد، در ساحت هنری آن دوبعدی تبدیل به سه‌بعدی و حجم سه‌بعدی به بُعد چهارم تبدیل می‌شود چراکه پیوسته بُعدی دیگر به‌عنوان ناظر مطرح است. همین امر را می‌توان از منظری دیگر و به‌طور عینی‌تر مورد تعریف و واکاوی قرار داد. شما بیننده‌ای را در نظر بگیرید که به تابلوی آویخته‌شده به دیواری می‌نگرد. چنانچه بپذیریم که او بُعدی از ابعاد وجودی اثر است پس اتفاقی که افتاده شامل طول و عرض تابلو و عمقی است که از ناظر شروع شده است و در نتیجه کانسپتی که از این وضعیت خلق می‌شود اتفاقی سه‌بعدی است و دیگر تابلوی مفروض دوبعدی نخواهد بود یا درباره حجم‌های سه‌بعدی با لزوم حضور بیننده‌ای که برای دیدن کل اثر مجبور به حرکت به دور آن است.

جادوی صحنه

به بهانه برگزاری نشست کمیسیون میراث یونیمای جهانی

## از سیاست‌زدگی باربی به میراث عروسکی جهان

حمیدرضا اردلان

### ۱- مقدمه

دومین نشست کمیسیون میراث یونیمای جهانی (The Second Meeting of UNIMA's Heritage Commission) ۱۱ و ۱۲ شهریورماه سال جاری در تهران برگزار شد. یونیما یا اتحادیه بین‌المللی نمایشگران عروسکی، تشکلی غیردولتی است که حدود ۹۰ سال پیش تأسیس شده و اکنون در بیش از صد کشور مراکز ملی دارد. مهم‌ترین اهداف یونیما توسعه تئاتر عروسکی با مضامینی همچون صلح، عدالت و آزادی برای بشر است.

ایران به لحاظ تعداد اعضا، بزرگ‌ترین مرکز ملی یونیما در جهان است و توانسته در کمیسیون‌های ۱۷گانه صاحب هفت کرسی عضویت شود. همچنین ایران موفق شده عضویت در کمیته اجرائی یونیما که بالاترین مرجع تصمیم‌گیری است را به دست آورد و ریاست کمیسیون میراث را نیز کسب کند.

در روز نخست این نشست، حمیدرضا اردلان، عضو کمیته اجرائی و رئیس کمیسیون میراث یونیمای جهانی، ژاک ترودو (Jacques Trudeau)، عضو سابق کمیته اجرائی و دبیرکل سابق این تشکل و عضو کمیسیون میراث، دیمیتری ژاژنو (Dimitri Jageneau) و اتو وآندر میدن (Otto van der Mieden) اعضای دیگر کمیسیون میراث به همراه مهتا محق، دستیار بخش فرهنگ در دفتر منطقه‌ای یونسکو در تهران (UNESCO)، سیداحمد محیط‌طباطبایی، رئیس کمیته ملی موزه‌های ایران یا ایکوم (ICOM)، سازمان میراث فرهنگی و هنرمندان و پژوهشگران تئاتر عروسکی حضور داشتند و ۱۱ سخنران به ایراد سخنرانی پرداختند. در متن سخنرانی‌ها به تأثیر عروسک بر حفظ تعادل فرهنگی جوامع و نسبت آن با شعف و وجد اجتماعی، تمرین حضور انسان بر کره زمین و زندگی مسئولانه و هم‌زیستی با طبیعت اشاره شد. احیای عروسک‌های آیینی، معرفی موزه‌ها و فرهنگ‌نامه‌های نمایش عروسکی در ایران، بلژیک، هلند، آلمان و برخی کشورهای دیگر موضوع‌های دیگر سخنرانی‌ها بود. اما مفهوم اصلی مباحث درباره به‌حاشیه‌رفتن آیین‌های مرتبط با عروسک و نمایش‌های عروسکی و راه‌های حفظ، احیا و یافتن زبان معاصر برای این گونه ناب نمایشی بود.

در روز دوم نشست که به جلسه اعضای اصلی کمیسیون میراث یونیمای جهانی اختصاص داشت، پس از بحث و گفت‌وگو از میان طرح‌های پیشنهادی، هفت طرح تصویب شد که در طول سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به اجرا درخواهد آمد.

انتشار مجله اینترنتی با موضوع میراث عروسکی جهان، اهدای جایزه کمیسیون میراث به هنرمندان، پژوهشگران و حامیان نمایش‌های آیینی و سنتی، تحقیق، نگارش و چاپ فرهنگ موزه‌های عروسکی جهان، تهیه فرهنگ اتیمولوژی و ترم‌شناسی واژگان کلیدی نمایش‌های آیینی و سنتی ازجمله این طرح‌هاست.

### ۲- عروسک و نقش هستی‌شناسانه

نمایش عروسکی آیینی و فرهنگ زندگی با عروسک‌ها به انزوا رفته است. این عروسک‌ها در گذشته نه‌چندان دور در میان مردم بودند و با دستان مادران و پدران برای همدمی با دختران و پسران یا برپایی آیین‌ها مانند تمنای باران، عقده‌گشایی، تبرک‌جویی و ده‌ها مفهوم آیینی دیگر به هست می‌آمدند و در فرایندی برای شناخت هستی و معانی جاری در آن، به عمق روابط انسانی و اندیشه خلقت و درک اتفاق به هست‌آمدن، آگاهی از مرگ و عدم، با ما انسان‌ها همراه بودند و نیز حضور عروسک‌ها در زندگی، تمرینی برای شناخت خود و یادآور حضور متصل همه اشیا بودند. از این حیث، عروسک واسطه‌ای برای تداوم نسبت ما با بقیه عالم بود و در بطن زندگی و زبان نسل بشر و در هم‌سخنی با او به‌سر می‌برد. عروسک‌ها و اشیا زمانی طولانی و گاه بیشتر از عمر ما باقی می‌مانند و تصوری از جدایی از آنان مگر بر حسب موضوع یک آیین نبود و هنوز هستند عروسک‌هایی که معنی میتولوژیک خود را حفظ کرده‌اند. تفاوت بنیادین این عروسک‌ها با عروسک‌های مشهور دوره معاصر در جایگاه و حضور فرهنگی، آیینی و تداوم هستی‌شناسانه است. در ادوار گذشته عروسک‌ها در کنار انسان‌ها نقش آینه‌ای را داشته‌اند که فرهنگ گذشتگان را به یاد می‌آوردند و درعین‌حال کشف صورت‌های فرهنگی آیندگان را متذکر می‌شدند. در دوره معاصر اما عروسک‌های بی‌نسبت با آیین‌ها، جای عروسک‌های آیینی را گرفته‌اند. این بدان معناست که ما انسان‌ها تمنای هم‌سخنی با عروسک‌ها و اشیا را از دست داده‌ایم و حیات آیینی خود را گم کرده‌ایم.

### ۳- عروسک، object و thing

در تعابیر مدرن و متکی به زبان غالب علم و هنر مسلط امروز و به‌طور خاص در زبان انگلیسی مأخوذ از زبان لاتین، آن دسته از عروسک‌ها و اشیا که بنا بر کارکرد کالابودن، در فهم می‌آیند و در بیرون و جدای از خود یعنی حیات متصل ما و هستی قرار می‌گیرند، object نامیده می‌شوند. از این طریق به انسان معاصر مفهوم subject عطا می‌شود و در پی آن معنای جاودانگی که در الحاق همه‌چیز به امر کلی حتمیت داشت، با اطلاق واژه thing به «مطلق هستی» که نمی‌شود در مناسبات کالاشدگی بیاید، از یاد می‌رود. اگرچه مقام جاودانگی در یک نحوه تلقی ارجاعات متافیزیکی دارد، اما از سوی دیگر به دریافت معنی حقیقی زبان یاری می‌رساند که منظور ما در این نوشته همین معنی است.

انسان برای اینکه بتواند چنین کند، یعنی میان خود و اشیا فاصله بیندازد در جایی دیگر، بیرون از خود و هر آنچه موضوع ذهنش قرار می‌گیرد object را تصور می‌کند. در این نحوه تلقی که قدمتی در حدود پیدایی رنسانس مغرب‌زمین دارد، اشیا و در صدر آنها عروسک‌ها به حاشیه رانده شده‌اند و انسان معاصر آنها را همچون بردگان بی‌جان و بیگانه از خود، به کار گرفته است. در اینجا دیگر عروسک‌ها و اشیا از خود فعلی یا معنایی ندارند، بلکه هر فعل و مفهومی برای آنها از پیش طراحی و ساخته می‌شود و در کار می‌آید.

ادامه در صفحه ۱۱